

Handwritten marginal notes in the top right corner of the right page, written in a cursive script.

**حکایت** و وقتی بجهل جوانی یا ننگی بر ما در دم دل  
آوده  
بگفتی نشت و گویان می گفت هر خردی فلان خوش کردی که  
در شش میبکی ششم چه خوش گفت زانی بوزندخوش  
بود پیش بنگ لکن و شیرین که آن عهد و دیت یاد آمدی  
که چاره بودی در انوش من نگرانی این دو ز برض جفا  
که خوشتر مردی درین سیر زنی توانگرین را پسری رجو بود  
بگذاهان گفتندش مصلحت آنست که قدر قران کنی از بهر او یا  
بدن قر بائی لختی باندیش فرو رفت و گفت معنی مهور و نیز که  
گله و در هر دلی بشنید گفت خشن بعلت این احتیاج آمد که  
قران بر مرز بانست و در همین جان بیت  
درینا گردن طاعت نهادن که گمش همواره بودی دست دادن  
بدیناری جو تو را که ماند و در اجداد تو اهی صد بخوانند  
**حکایت** بر مردی را گفتند چو از ننگی گفت با پیران

نام غیبی نیست

بانه  
شور

نام غیبی نیست گفتند جوانی بخواه چون ننگت زاری کنی که بر من  
با پیران عشقی ندارم زنی که جوان باشد میان بر هم صورت پیدا  
زور باید نه زرد که با پوزرا گوری آوسته که آن من گوشت  
شینه هم که درین روزها کهن بری صیالی سست بر لکه که بر جفت  
خواست و ختری توست و دی که بر نام چون بود برش از چشم مردان نشت  
چنانکه هم عروسی بود قاشقار و لی حکله اول عصای شمع جفت  
کمان کشید و در بر موی توانست که بر سوزن بولاد جامه چینی کتیب  
بوستان کله اقا ز کرد و خنجر سخت که در آن نایب شوخ دیده پاک برشت  
میان تو نه در آن کینه خنجر خنجر که بر شمشیر قافی کشید و سولی کتیب  
پس از صد و شصت کمانه خنجر ترا که دست بر زده که در آن نشت  
**حکایت** یکی را از وز را پسری کوزن بود پیش یکی از دانشمندان  
فرستاد که هر آن را تربیتی کنی که عاقل شود روزگاری بگردد  
موت برود پیش برش کس فرستاد که این عاقل نمی شود و مراد پوئانه کرد

Handwritten marginal notes in the left margin of the right page, written in a cursive script.

Handwritten marginal notes in the left margin of the left page, written in a cursive script.